

## خشم

بیان کننده نارضائی و دشمنی است.

باشد مری نباید نرم شود و ضعف نشان دهد زیرا به مجرد اینکه کودک درك کرد چیزی از خشمگین شدن عايش نخواهد شد بحران‌ها ناپدید میشود .

## بی‌ثباتی

کودك برای مری بیم آور است . مری باید اطمینان حاصل کند که این بی‌ثباتی ناشی از عوارض جسمی یا اختلالات غددي و ناراحتی‌های عصبی و غیره نمیباشد . این بی‌ثباتی اکثراً در محیطی که کودک در آن احساس ناامنی میکند بوجود میآید . واضح است که علاج و چاره جوئی چنین مشکلاتی که بیشتر مربوط به اولیای کودک است برای مری چندان آسان نیست . با اینحال مری باید

غالبا این احساس در فرد از غرور فوق‌العاده‌ای سرچشمه میگیرد و در نتیجه شخص هیچ انتقادی را نمیتواند بپذیرد . خشم یا به صورت فریاد و سرو صدا و یا پریدگی رنگ چهره ظاهر میشود . باید حتی‌المقدور از موارد و موقعیت‌هایی که سبب میشود کودک احساس کند مورد استهزاء قرار گرفته است احتراز جست . مری باید آرامش خود را حفظ نماید و سعی نکند برای مرعوب کردن آنچه که شاید در کودک نشانه ثبات شخصیت است از همه امکانات خود استفاده نماید . از این گذشته شدت چنین بحران‌هایی هرچه

سرچشمه خشمین آفرین

# فرزند و شاگرد

در شناخت و اصلاح معایب کودکان نباید به هیچ وجه عجولانه قضاوت نمود و عمل کرد . سعی ما باید پیوسته آن باشد که بفهمیم این معایب ناشی از چیست و سرچشمه آن کجاست ؟ ما نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که کودک یا نوجوان هرگز خشمگین نشود، پیوسته فرمانبردار باشد، دروغ نگوید و در تمام دوران تحصیلی خود شاگرد ساعی و جدی باشد . در هر سنی، کودک با بحران‌هایی روبرو میشود و چنانچه نتواند مشکلات خود را حل کند و بابت تفاوتی و عکس‌العمل‌های خلاف از طرف اولیاء خویش و مربیان روبرو شود ، چه بسا که یک عیب کوچک به صورت هیولائی درآید و تمام عمر گریانش را بگیرد .

مقابلش ضعف نشان داد زیرا کودک احتیاج دارد که درقبال خودش نیر او را حفظ وحرست نمائیم .

**دروغ** برای کودکی که سنش از شش سال

کمتر است وجود ندارد ، زیرا که او واقعیت و تصور وافسانه را از هم باز نمیشناسد . چون ساختمان اخلاقی کودک هنوز « شکل نگرفته است دروغهایی که میگوید جنبه دفاعی دارد . باید دید کودکی که فخر میفروشد و دروغ میگوید ، چه کمبودهایی دارد . باید او را متوجه کرد که بدینوسیله نمیتواند اطرافیان را فریب دهد . درضمن باید اعتماد به نفس را در کودک لطفاً ورق بزنید

به کودک فرصت دهد و برایش اوقات فراغت و بازی فراهم آورد تا این احساس بی‌ثباتی در او تخفیف یابد .


## عدم اطاعت

عکس‌المطلی است که کودک

اکثراً در برابر اشتباهاتی که از جانب مربی رخ میدهد نشان خواهد داد . درقبال کودکان و نوجوانان بایستی بدقت مراقب حالات عصبی خود باشیم بخصوص درسنین نوجوانی که در آن نیاز به استقلال طلبی بیشتر به چشم میخورد .

کرارا خاطر نشان نموده‌ایم و باز هم یادآوری مینمائیم که باید مشکلات کودک را درک نمود اما نباید در





تقویت نمود زیرا مسلماً او از کمبودهایی رنج میبرد. اما در مورد کودکی که در سنین بالاتر به سهولت دروغ میگوید و گفته‌هایش قرین به حقیقت و واقعیت نیست باید به متخصص امراض روانی مراجعه شود.

درضمن باید در نظر داشت که افسانه پردازی به آسانی منجر به تهمت زدن و افترا میگردد. از اینروست که نباید برای شهادت‌های کودکان ارزش بسیار قائل شد.

ازاین نظر مشابه دروغگوئی است

## دزدی

که کودک ۶ ساله حس تشخیص آنچه متعلق به خود و دیگران است را ندارد. در سنین بالاتر که کودک به‌زشتی این عمل بی برد دیگر نباید حرف از دزدی و سرقت با وی زد اما چنانچه مجدداً مرتکب این عمل گردید، باید فوراً اولیاء را مطلع نمود. این عمل به منزله زنگ خطر است و در این مواقع کودک بیش از پیش احتیاج به کمک و مراقبت دارد.

تنبلی یکی دیگر از اختلالات و ناراحتی-

هائست که غالباً در کودک دیده میشود و موجب



دچار بی نبائی است و یا در رؤیاهای خود غوطه‌ور است و با دچار وسواسی بیمارگون میباید. در اینصورت باید به پزشک مراجعه شود. قدر مسلم آنست که از خلال کلیه ناراحتی‌ها و اختلالات فوق-الذکر میتوان به یک مطلب اساسی پی برد و آن اینست که کودک دچار پربشانی و آشفتگی خاطر است. وظیفه مربی و اولیاء است که به علت ناراحتی کودک پی برند، اما در صدد برنیایند که او را تحت الشعاع قرار دهند. مربی هرگز نباید خطاب به کودک بگوید: دزد یا دروغگو و یا تنبل. این عمل زشتی است، زیرا ساختمان فطری بشر به قسمی است که اگر مثلاً کراماً بشنود که کودک است سرانجام کودک خواهد شد.

برای کمک با افراد باید آنها را از عوامل ناراحت‌کننده‌ای که گریبانگیرشان شده است، رها نیند. نه آنکه به مورتی رفتار نمود که بیش از بیش در اضطراب غوطه‌ور گردند و بدین منظور باید از هر فرصت مناسبی برای تحکیم ساختمان اخلاقی آنان استفاده کرد.

نگرانی مربی میگردد. بطور کلی این تبیلی نتیجه و حاصل وضع نامساعد سلامت کودک است.

عوارض مربوط به ناراحتی‌ها و اختلالات حواس پنجگانه و آندوکراین وغندی و کبندی و یا عصبی ویا گاهی عوارض یک بیماری که کاملاً معالجه نشده و از بدن کودک ریشه‌کن نگردیده است ممکن است موجب بروز تبیلی شود. در اینگونه موارد باید به طبیب مراجعه نمود. گاهی نیز تبیلی نشانه ضعف و ناتوانی روحی است. شاید نیز کودک به علت روش خشک و تشریفاتی که مربی برای تعلیم مواد درسی اتخاذ نموده است نمیتواند علاقه و توجه کافی به درس نشان دهد. در اینصورت وظیفه مربی آنست که در باره نحوه کار خود قضاوتی بی‌طرفانه کند و در صورت لزوم در آن تجدید نظر بعمل آورد همچنین امکان دارد عناصر تبیلی را در کلاسی که سطح درسی آن پائین تر است قرارداد تا بتواند به نسبت قابلیت‌ها و ذوق خود توجه بیشتری به مواد درسی نشان دهند. گاهی نیز لازم است بعضی از این کودکان را در کلاسهای مخصوصی که برای کودکان عقب‌افتاده تشکیل میشود جای داد. در پاره‌ای موارد نیز کودک به شدت